

نقش خواهر داماد در باسنگ‌های آیین ازدواج هرمزگان

سهراب سعیدی^{۱*} فریدون اکبری شلدره^۲ حسین قاسم‌پور مقدم^۳

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۴/۳، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۹/۱۶)

چکیده

آیین ازدواج در استان هرمزگان خلاف مشابهت‌هایی که با مراسم عروسی دیگر اقوام ایران دارد به لحاظ مراسم جشن و چگونگی انجام آن تفاوت‌هایی دارد. یکی از این تفاوت‌ها خوانش مرتب باسنگ (واسنگ) در مراحل مختلف ازدواج توسط زنان و در بعضی از موارد توسط مردان است که البته بسامد خوانش زنان بسیار بالاتر از خوانش مردان است. این مقاله به شیوه تحلیل محتوا و با ابزار مشاهدات عینی و مصاحبه به بررسی باسنگ‌ها و نقش خواهر داماد در هرمزگان می‌پردازد. باسنگ‌های هرمزگان بیشتر جنبه مذهبی دارد و توسط اطرافیان عروس و داماد خوانده می‌شود. دو نفر از خوانندگان باسنگ‌ها خواهر و مادر دامادند. نتایج حاصل این پژوهش نشان می‌دهد خواهر داماد حضور پررنگ‌تری در باسنگ (واسنگ)‌ها دارد؛ اما مادر داماد نیز هرگاه مهمانان با کمی و کسری در مراسم ازدواج به‌خصوص در مراحل پذیرایی مواجه شوند در باسنگ‌ها حضور دارد که به صورت اعتراض و طنز مخاطب قرار می‌گیرد. این مقاله به بررسی هفتاد باسنگ در هرمزگان می‌پردازد که در ۱۶ مورد خواهر داماد نقش مستقیم دارد. اشعار باسنگ در هرمزگان بیشتر در وزن‌های فاعلاتن فاعلاتن فاعلن و مستفعلن فعولن و یا مفاعیلن مفاعیلن فعولن و چند وزن دیگر سروده شده است، البته به دلیل شفاهی و عامیانه بودن اشعار مشکل وزن و قافیه در تعدادی از آن‌ها دیده می‌شود.

واژه‌های کلیدی: آیین ازدواج، فرهنگ عامه، هرمزگان، باسنگ (واسنگ)، خواهر داماد.

۱. کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی (نویسنده مسئول).

* sohrab_minab@yahoo.com

۲. استادیار زبان و ادبیات فارسی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش.

۳. استادیار سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

۱. مقدمه

رسم یعنی کاری که شعور مردم طی سال‌ها و قرن‌ها آن را درست، کارآمد و بجا دیده است. شناخت آداب و رسوم سبب می‌شود به هویت مردم و فرهنگ گذشتگان پی ببریم و با خصوصیات و شاخصه‌های زندگی آن‌ها آشنا شویم. در میان آیین‌های رایج در استان هرمزگان، آیین ازدواج با وجود گذر زمان، بسیاری از ویژگی‌های خود را حفظ کرده است. یکی از این ویژگی‌ها، خواندن باسنگ در مراحل مختلف ازدواج، از دعوت مهمانان گرفته تا مراسم سراخونی است^۱ که تحت تأثیر عوامل مختلفی از جمله روابط منطقه‌ای و پیروی از آداب گذشتگان است. در *لغت‌نامه* دهخدا آیین و رسم معادل هم آمده است. دهخدا (۱۳۲۵) ذیل آیین می‌نویسد: «سیرت، رسم، عرف، طبع، عادت، روش، دیدن، خلق، خصلت، خوی و منش». پاشایی نیز آیین را به دو شکل معنا می‌کند: «همه اعمال صوری که در اصل نمادی‌اند و به معنای محدودتر، اعمال نمادی وابسته به دین» (۱۳۶۹: ۴۱).

۲. پیشینه پژوهش

درمورد آیین ازدواج در هرمزگان دانشجویان کارشناسی ارشد ادبیات و مردم‌شناسی در صفحاتی از پایان‌نامه خود به صورت گذرا آیین ازدواج شهرهای خود را به‌عنوان یکی از نمودهای فرهنگ عامه معرفی کرده‌اند؛ اما هیچ کدام به باسنگ‌ها و نقش افراد در آن توجه نکرده‌اند؛ از جمله: ۱. احمد سایبانی آیین ازدواج در فین بندرعباس را در کتابی به همین نام که در سال ۱۳۸۴ در نشر رسول منتشر شده آورده است. ۲. محمد شریفی به صورت گذرا در کتاب *بلوچ در یک نگاه* آیین ازدواج را ذکر کرده است. ۳. مریم داوری آیین ازدواج در جاسک را در قسمتی از یک فصل از پایان‌نامه خود با عنوان *بررسی ضرب‌المثل‌های بلوچی جاسک* در دانشگاه آزاد یزد بحث کرده است. ۴. احمد نور دریایی آیین ازدواج بندر کنگ را در کتابی به همین نام آورده است. ۵. معتمدی در کتاب *رودان بهشت جنوب*، به بررسی آیین ازدواج در شهرستان رودان پرداخته است. ۶. مسعود پاک‌نژاد آیین ازدواج شهرستان رودان را در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود در دانشگاه آزاد جیرفت زیر نظر ابوالقاسم رادفر انجام داده است. ۷. فاطمه دژگانی و

نقشِ خواهر داماد در باسنک‌های آیین ازدواج هرمزگان ----- سهراب سعیدی و همکاران

ابراهیم الطافی آیین ازدواج قشم را بررسی کرده‌اند. ۸. علی آموخته‌نژاد قسمتی از پایان‌نامه خود را به بررسی آیین ازدواج بندر خمیر اختصاص داده است. ۹. حسین خوش‌نمک نیز آیین ازدواج بخش رودخانه را نقد و بررسی کرده است. ۱۰. فاطمه فرخنده به آیین ازدواج پارس‌یان، مرجان لشکری به آیین ازدواج تزرج و گهکم شهرستان حاجی‌آباد، و حسن ملاحی به آیین ازدواج سیریک در دانشگاه آزادگاه جیرفت پرداخته‌اند.

این مقاله آیین ازدواج در استان هرمزگان را به‌عنوان بخشی از فرهنگ عامه پی می‌گیرد و از این رهگذر از طریق مشاهدات عینی و پژوهش میدانی و به شیوه توصیفی - تحلیلی به نقش خواهر داماد در باسنک‌ها و اشعار عروسی می‌پردازد.

۳. بحث و تحلیل

۳-۱. باسنک (bāsenak)

«باسنک» یا «واسنک» نوعی اشعاری است که از زبان افراد مختلف در آیین ازدواج از زمان خواستگاری گرفته تا پاتختی و پاگشا و حتی سراخونی (sarāxōni) خوانده می‌شود. منصور نعیمی می‌نویسد: باسنک ترانه‌هایی است در عروسی که هنگام حنابندان، دستمال روی سر عروس و یا داماد تکان می‌دهند و می‌خوانند و کل می‌زنند (نعیمی، ۱۳۸۶: ۳۰). باسنک همان واسونک منطقه فارس است که در هرمزگان به صورت باسنک خوانده می‌شود و آن سروده‌هایی است که زنان با آواز می‌خوانند. این آیین در شهرستان قشم باسونک تلفظ می‌شود. محمدرضا درویشی در کتاب *موسیقی و آیین‌های جزیره قشم* اضافه می‌کند:

واسونک در گویش قشم هرمزگان باسونک تلفظ می‌شود و آوازهایی است که زنان معمولاً به صورت دو نفره (در گروه‌های چهار تا ده نفر) فقط در مراسم حنابندان عروس و داماد می‌خوانند. در موقعیت دیگری نیز وقتی که مردها می‌خواستند با لنج بادبانی به سفرهای طولانی به آفریقا و هند بروند، زن‌ها به ساحل می‌آمدند و واسونک می‌خواندند (۱۳۹۳: ۴۷).

باسنک «واسونه: ترانه‌های محلی که در مراسم جشن و شادی خوانده می‌شود، ظاهراً مشتق از ایرانی باستان: [abi]sāhana- از ریشه sah- «گفتن، بیان کردن»؛ مشتق از

هند و اروپایی و فارسی باستان : θanh- «گفتن، بیان کردن» است» (همان، ۴۸).

محتوای برخی واسنک‌ها که سینه به سینه انتقال یافته، خاطرات سفرهای دریانوردان قدیم است که پس از بازگشت از دریا برای همراهانشان تعریف می‌کردند و آن‌ها نیز این خاطرات را به شعر برمی‌گرداندند و در مجالس عروسی در قالب واسونک می‌خواندند. در استان هرمزگان بیشتر این اشعار جنبه مذهبی دارند و بیش از ۹۹ درصد خوانندگان آن خانم‌ها هستند. باسنک‌ها توسط شش و یا هشت زن به سبک سه به سه یا چهار به چهار بدون استفاده از سماع و ابزار و آلات موسیقی خوانده می‌شود. زنان چهار به چهار روبه‌روی هم می‌نشینند. گروه اول یک بیت یا یک مصراع از باسنک را ترنم می‌کنند و گروه دوم جواب مصراع یا بیت آن‌ها را می‌دهند. در نوحه‌خوانی‌های جنوب هم ذاکران به دو گروه تقسیم می‌شوند: نخست نوحه‌خوان نوحه‌ای می‌خواند. سپس گروه اول و بعد گروه دوم جواب نوحه را کشیده و بلند و با آهنگ خاص مربوط به آن نوحه بیان می‌کند. ترانه‌های مخصوص «باسنک» (واسونک) آهنگین است و مهارت این چهار نفر در خوانش ضرورت کاربرد سماع را متفی می‌سازد.

اوج واسنک‌ها به هنگام استحمام عروس و داماد یا حنا نهادن بر پای و دست عروس و داماد است. البته شیوه خوانش باسنک حنا با باسنک حمام و نوع اشعاری که در مراحل دیگر نیز خوانده می‌شود تفاوت دارد. به هنگام حنا نهادن، اشعار واسنک با آهنگی ملایم ترنم می‌شود و مضمون و محتوای آن مذهبی است. نمونه‌ای از این باسنک‌ها «الله ولی» است که بیشتر شبیه درد دل کردن است و از آنجا که شعر عامیانه است گاهی مشکل وزن و قافیه نیز در آن‌ها دیده می‌شود و ما بدون ویرایش اشعار، آنچه را زنان روستایی ترنم می‌کنند برای نمونه ذکر می‌کنیم که بر وزن مستفعلن مستفعلن مستفعلن آمده است:

الله ولی الله ولی ذکر محمد یا علی	ذکر حسن ذکر حسین یا فاطمه بنت نبی
فاطمه تاج بر سرن که دختر پیغمبرن	فاطمه اندر بهشت که خط قرآنی نوشت
یا محمد یا محمد فاطمه بفرست به عیش	ما ندارم خلعتی تا بریم عیش قریش ^۲ ...

در شب زفاف پس از اینکه داماد اجازه ورود به حجله را پیدا کرد، در حجله منتظر عروس می‌ماند و اطرافیان عروس در حالی که این باسنک زیبا را ترنم می‌کنند عروس

نقشِ خواهر داماد در باسنگ‌های آیین ازدواج هرمزگان ----- سهراب سعیدی و همکاران

را به داخل حجله هدایت می‌کنند این باسنگ بر وزن مفاعلاتن فعلن مفاعلاتن فعلن
این‌گونه آمده است:

نازکم نمی‌توننی و آهسته برو	نازکم برو، برو نازکم برو
نازکم نمی‌توننی و گل دسته برو ... ^۳	نازکم نمی‌توننی و پیوسته برو

nāzakom boro, boro nāzakom boro/ nāzakom namitōni-o- ?āhesta boro
nāzakom namitōni-o- peyvasta boro/ nāzakom namitōni-o- goldasta boro.
برگردان: ای عروس نازم، آهسته به حجله عروسی برو، ای عروس گلم آرام و
باوقار و با دسته گل به حجله برو.

یا:

به ناز و نازون شَبَروم ^۴	به پیش داماد خوش اریت ^۵
به ناز و نازون شَبَروم	به حجله بَنَلَن شَبَروم
عروس بزرگن شَبَروم	چه ماه تابن شَبَروم

be nāz-o- nāzon šabarom /be piše dōmād xōš ?arit/ be nāz-o- nāzon /be hejla
bandon šabarom
?arus bozorgen šabarom /čo māhe tāben šabarom.

برگردان: عروس را با ناز به حجله می‌برم به نزد داماد خود می‌رود. عروس را که
مانند ماه تابان است با بزرگی و حشمت و جاه و جلال به حجله عروسی می‌برم.
رسم است که عروس به هنگام ورد به حجله عروسی، مقداری حلوا با خود دارد که
به محض رسیدن به حجله، حلوا را به زنی می‌دهد تا میان دختران دم‌بخت پخش کند تا
بدین گونه با خوردن آن حلوا بختشان باز شود و زود ازدواج کنند. البته این رسم در این
دوره به کلی متروک شده است.

۲-۳. عقد و دعوت از مهمانان

عده‌ای از مردم بلوچ در هرمزگان به مراسم عقد «کُلچه» می‌گویند که به خاطر شیرین
بودن این عمل پسندیده و سنت پیامبر به این نام نامیده شده است. هنگامی که
می‌خواهند خطبه عقد را شروع کنند، همه دکمه‌های لباس عروس و داماد را باز
می‌کنند. اعتقاد بر این است که با این کار بخت عروس و داماد در جریان زندگی

گشوده می ماند و هرگز گرهی در کار آن ها نمی افتد. در قدیم هنگام اجرای صیغه عقد، مادر عروس چاقویی در دست می گرفت و مرتب آن را باز و بسته می کرد و بعد از مراسم عقد آن را نزد خود نگه می داشت تا شب زفاف که دیگر بار آن را باز می کرد. در این مورد اعتقاد بر این بود که این کار سبب باز شدن بخت و خوشبختی عروس و داماد می شود. به عقدی که به صورت آشکار و با دعوت تعداد زیادی از فامیل و آشنایان همراه باشد «سرو صدا» می گفتند و برای عقد ساعت خوش می کنند. این عقد را از آن رو «سر و صدا» می گویند که پس از عقد، مراسم جشن عقد را با ادوات موسیقی محلی برپا می دارند و در آن به سرور و شادی می پردازند.

در بعضی از نقاط هرمزگان به جشن عروسی «داوات» می گویند و شاید داوات همان تحریف شده دعوت باشد؛ زیرا مردم و دوستان و آشنایان را از جاهای دور و نزدیک به این مراسم دعوت می کنند. مراسم دعوت کردن مهمان جهت عروسی هم به گونه ای خاص انجام می گیرد. تعدادی از زن های فامیل از خانواده عروس و داماد به صورت جداگانه جمع می شوند. به این گروه «خُنْدُغ» می گویند. روش انجام دعوت بدین شرح است که: عده ای از زنان جوان و متأهل مقداری نقل و بادام و شکلات و آجیل در دستمال می ریزند و مسن ترین خانم این دستمال را به دست می گیرد و به در خانه دوستان، فامیل و آشنایان می روند و چون به در خانه ای می رسند، کل می زنند و شادی می کنند. در هرمزگان به این صدای شادی «کیکنگ» می گویند و چون به داخل خانه می روند سرودی را در وصف پیامبر (ص) می خوانند، این سرود را «باسنک» می گویند.

قسمتی از این باسنک (واسنک) این گونه است:

به ما بکن جنت دراز	زیر پا بریز فرش و فراش
به مردئون ^۶ جنت بده	بی زندئون ^۷ عمر دراز
نزد رسول الله رویم	با عین دیدن می رویم
خانه خدا چندی گپن	حد و حدودی بی حدن ^۸

be mā bokon janat derāz/zire pā beriz farš-o- farāš

be mordavon janat bede /be zendavon ?omre derāz

nazde rasōl ?alāh ravim/bā eyne didan miravim

xāne xodā čandi gapen /had-o- hodōdi bi haden

نقشِ خواهر داماد در باسنگ‌های آیین ازدواج هرمزگان ----- سهراب سعیدی و همکاران

برگردان: جنت برین با فرش‌های رنگانگ آن را قسمت ما قرار بده. مرده‌های ما را به بهشت ببر و به زنده‌های ما عمر دراز بده. ما برای دیدن رسول خدا به بهشت می‌رویم، خانه خدا و بهشت آن بسیار بزرگ و بی‌حد و کرانه است.

دژگانی می‌نویسد: «زنان برای دعوت به درب منزل تک تک آشنایان می‌روند و به آنان از محتویات داخل کاسه تعارف می‌کنند و به این مراسم در اصطلاح محلی «زن گردون» (zan gardōn) می‌گویند» (۱۳۹۳: ۱۰۰). وجه تسمیه این کار به زن گردون بدین سبب است که گردنده اصلی آن زنان هستند و یا اینکه زنان دستمال نقلی را به در خانه‌ها می‌گردانند. اما در میناب و بندرعباس به این زنان «خوندغ» (xōndey) «خواندن» فارسی میانه: xvāndan «خواندن» ایرانی باستان: *hvānt- «خواندن» از ریشه hvan- «بانگ کردن، آواز سر دادن» xonden «خواندن» xondey «افرادی که برای دعوت برای حضور در عروسی انتخاب می‌شدند»، wang «بانگ کردن»، خمیری xeylon, xondey «زنانی که به عنوان قاصد دعوت از طرف عروس یا داماد به خانه‌ها می‌رفتند»، xonda «دختر که برای پسر نامزد شود» (قتالی، ۱۳۸۸: ۱۷۹) می‌گویند.

در بلوچی wānōk «دانشجو» (آذرلی، ۱۳۹۴: ۱۶۵)، در رودان «خوندگ» (xōndey) خوندگ و خوندغ هر دو از خواندن و دعوت کردن می‌آید. منصور نعیمی در فرهنگ لغت جامع هرمزگان می‌نویسد: «خوندغ قاصد و پیام‌بر عروسی است. قبل از شروع عروسی عده‌ای زن به در خانه‌های آشنایان رفته و با کل زدن صاحب‌خانه را فراخوانده و از او به عروسی دعوت می‌کنند که این گروه زنان را خوندغ (خندغ) می‌گویند» (۱۳۸۶: ۱۱۵) و در بندر سیریک «لوتوک» (lovtok) لوتوک یا لوطوک گویند که از لفظ لو به معنی دهان و لب گرفته شده است، به معنی دعوت شفاهی و زبانی و طلبیدن به مراسم عروسی است. در قشم و بندر لنگه «زن گردون» (zan gardōn) می‌گویند. در بین خانواده‌های سنتی بندر لنگه مرسوم است که چند روز مانده به عروسی دو یا سه زن که لباس محلی به رنگ سبز، سرخ و یا نارنجی پوشیده و خود را آراسته کرده‌اند و در حالی که کاسه‌ای چینی حاوی نقل، نبات، شکلات، میخک و هل که به نخ هفت-رنگ کشیده شده در دست دارند، برای دعوت به درب منزل تک‌تک آشنایان می‌روند و به آنان از محتویات داخل کاسه تعارف می‌کنند. در سیریک «از یکی دو روز قبل، زنان

محل توسط خانواده‌های عروس و داماد به تمام خانه‌های منطقه و روستاهای اطراف می‌روند. آن‌ها معمولاً پارچه‌ای سبزرنگ به سر می‌بندند. این گروه «لوتوک» نام دارند و باید از دخترهای جوان شوهرکرده باشند. آن‌ها لباس زیبا می‌پوشند و مردم را به عروسی دعوت می‌کنند» (ابراهیمی، ۱۳۹۰: ۱۴۳).

شب اول عروسی به شب حنای دزدی معروف است و حنای شب دوم را حنای فاش می‌گویند. وجه تسمیه این نام‌ها به سبب دعوت کردن یا نکردن تعداد زیاد مهمانان است. در شب حنای دزدی تنها اقوام و دوستان نزدیک به مراسم دعوت می‌شوند و در شب حنای فاش تمام مهمانان دعوت هستند.

در شب اول به عروس لباس سبز می‌پوشانند، عروس با زینت کامل می‌نشیند و زنان و دختران در جلو او می‌نشینند و بعضی‌ها دایره می‌زنند، آواز می‌خوانند و می‌رقصند. به این آوازا «سرور» می‌گویند که معمولاً توسط زنان میان‌سال اجرا می‌شود. همانطور که از اسم آن پیداست اشعار شاد و سرور و شادمانی است.

۳-۳. حمام و آرایش عروس

دل تسلی می‌دهم دلبر به حمام آمده
با کنیزان با غلامان با سر و سامان آمده
سنگ بوسه می‌زند هر لحظه اندر پای او
شانه زلفش می‌کند موها به هر اندازه‌ای
سنگ محرم، شانه محرم، ما چرا بیگانه‌ایم
حال ما بیند که ما کمتر ز سنگ و شانه‌ایم^۹
وزن این باسنگ فاعلاتن فاعلاتن فاعلن است. که یکی از پرکاربردترین اوزان در باسنگ‌های عامیانه هرمزگان است.

عروس را قبل از ظهر روز عروسی همراه مشاطه به حمام می‌برند. حمام عروس در خانه انجام می‌شود. برای این کار ابتدا محوطه مورد نظر برای حمام کردن عروس را با چاقو مشخص و خط می‌کشیدند که به اصطلاح محلی به آن «حصار» می‌گویند و بعد چهار گوشه حمام را شکر می‌ریزند و تخم مرغی را دور سر عروس می‌چرخانند و در مقابل در حمام قرار می‌دهند. عروس باید تخم مرغ‌ها را با پا بشکند و وارد حمام شود. پس اطرافیان عروس اسپند دود می‌کنند و پشت در حمام می‌نشینند و باسنگ می‌خوانند:

ای حمومی ای حمومی آب حمام تازه کن
تا شاه داماد می‌یاد عروس ما را آماده کن

نقشِ خواهر داماد در باسنگ‌های آیین ازدواج هرمزگان ----- سهراب سعیدی و همکاران

شونه زن شونه زن شونه بر مویش بزَن رخصت از باباش بگیر و شانه بر مویش بزَن ...^{۱۰}
و همین‌طور رخصت گرفتن از تمام فامیل ادامه پیدا می‌کند تا عروس را با صورتی پوشیده از حمام بیرون بیاورند. در آن موقع برای عروس اسپند دود می‌کنند و این شعر را می‌خوانند:

عروس خانم رویت در بُکن اجا^{۱۱} که نشستی کمی نظر بکن
انارمُ کردی بالا خونتُ عروس ایگفتن^{۱۲} شواتام به خونتُ
امسال دو سالن دلم دنبالتن نه عاشق پولن نه از مالتن^{۱۳}

?arōs xānom royet dar bokon/ejā ke nešti kami nazar bokon

?anārom kardi bālā xōnaton/ ?arōsi goften šov ?atām be xōnaton

?emsāl do sālen delom donbāleten/na ?āšeke pulen na ?az māleten

برگردان: عروس خانم صورت زیبایت را نشان بده و کمی هم به طرف ما نگاه کن.
اناری به بالای خانه‌ات انداخته‌ام. عروس گفته شب به خانه می‌آید. امسال دو سال است که عاشق تو شده‌ام، من عاشق خودت هستم و نه عاشق مال و دارایی‌ات.
وزن این باسنگ نیز فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن است.

پوشش عروس شامل پیراهن حریر و شلوار سبزرنگ محلی زیبا با روسری خوس-دار است که به آن جلبیل‌زری گفته می‌شود و همچنین چادری که به صورت زیبایی گل‌دوزی شده و با گلابتون و پولک و مهره تزیین شده است. روی پیشانی عروس را گردنبند طلا به شکل خورشید یا ماه آویزان می‌کردند. ریشه‌های آن ماه یا خورشید بر روی پیشانی عروس می‌درخشید و به عروس زیبایی خاص می‌بخشید. ابروهای عروس را با پولک تزیین می‌کنند و موهای آن را دو لنگه می‌کنند و با ریحان زینت می‌بخشند.

۴-۳. حمام داماد

اسب سبزو مبارک تو چرا دیر آمدی
شاه داماد در حمومن حالا که دیرآمدی
ای حمومی ای حمومی آب حموم تازه کن

شاه داماد تو حمومن رختونی آماده کن
پای مولا جون آشُورت^{۱۴} پای مولا پوش اکنت^{۱۵}

اشرفی در جیبُ باباش گام به گام شاباش اکنت^{۱۶}

یک لگن پر از اشرفی یک لگن پر محمدی

اشرفی اسم محمد، محمدی اسم علی^{۱۷}

برگردان: ای اسب سبزو فرخنده‌پی چرا دیر به اینجا آمدی؟ شاه داماد الان به حمام رفته است و باید زودتر می‌رسیدی. ای حمام‌چی آب حمام و رخت‌های داماد را آماده کن. داماد در کنار زیارت مولا به حمام می‌رود و همانجا لباس می‌پوشد و پدرش در حالی که اشرفی در جیب دارد جهت شاباش به مردم هدیه می‌دهد. پدر داماد یک سطل پر از اشرفی و سطلی دیگر پر از گل محمدی دارد که بر روی اشرفی‌ها نام حضرت محمد(ص) و بر گل‌های محمدی اسم حضرت علی(ع) نوشته شده است.

حمام داماد معمولاً در زیارتگاه‌ها انجام می‌شود و به این صورت است که داماد سوار بر شتر یا اسب می‌شود و به اتفاق همراهان و لوطی‌ها (نوازندگان محلی) به زیارتگاه‌ها یا اماکن مقدس می‌رود. انتخاب زیارتگاه برای حمام داماد بر اساس ندی است که پدر و مادر برای فرزند خود در کودکی‌شان کرده‌اند. برای رفتن به زیارتگاه مهمانان عروسی با پای پیاده (در صورت نزدیکی محل) عروس یا داماد را همراهی می‌کنند. داماد را سوار بر اسب یا شتر تزیین شده می‌کنند و پارچه سبزی بر سرش می‌افکنند. در این هنگام داماد همه دکمه‌های پیراهنش را باز می‌کند؛ چون معتقدند اگر دکمه‌ها را ببندند بخت داماد نیز بسته می‌شود. پسریچه کوچکی را در جلو داماد می‌گذارند تا طبق اعتقاد عامه فرزند اول داماد پسر باشد. طی حرکت خواهر داماد لباس‌های او را که در چمدانی سبزرنگ است بر سر قرار می‌دهند. داماد سوار بر مرکبی است و خواهرش شصت پایش را می‌گیرد. اگر داماد خواهر نداشته باشد خاله یا عمه‌هایش این کار را بر عهده می‌گیرند.

در هنگام رسیدن به زیارتگاه، نوازندگان شروع به نواختن می‌کنند که در گویش محلی به آن «تماشا» می‌گویند. بعد دو نفر بازوهای داماد را می‌گیرند و با صلوات و ال فُصلات^{۱۸} او را به حمام هدایت می‌کنند.^{۱۹} بعد از اینکه سه مرتبه ال فصلات توسط همراهان داماد خوانده شد داماد را به حمام می‌برند. در حمام یک عدد تخم‌مرغ با سوزن می‌گذارند که داماد باید پای راست خود را روی سوزن بگذارد و تخم‌مرغ را بشکند. شکستن تخم‌مرغ به این معناست که داماد اگرچه در حال عروسی و شادی

نقشِ خواهر داماد در باسنگ‌های آیین ازدواج هرمزگان ----- سهراب سعیدی و همکاران

است، اما از مرگ خود نیز غافل نیست؛ زیرا اعتقاد بر این است انسان هنگامی که به دنیا می‌آید می‌میرد. در حمام یک داس و کمی خرما روغنی (نوعی شیرینی) می‌گذارند و نیز مقداری شیرینی را بر سر درخت بی‌خار جهت استفادهٔ جن‌ها می‌گذارند؛ چون در غیر این صورت اعتقاد بر این است که اگر به جن‌ها شیرینی ندهند عروس یا داماد بیمار می‌شوند. در زمان عروسی و هفت روز بعد از آن اگر کسی کفش عروس و داماد را بپوشد آن‌ها بچه‌دار نمی‌شوند.

در بدو ورود عروس و داماد به حمام باید تمام آب‌های حمام را خارج کرد؛ چون ممکن است کسی از روی غرض آن آب‌ها را طلسم کرده باشد و این طلسم سبب می‌شود که بین عروس و داماد اختلاف پیش بیاید و آن‌ها همدیگر را نخواستند. اما هنگامی که داماد در حمام قرار گرفت و تخم‌مرغ را شکاند و عود و گشته (دو چیز خوشبو) سوزانده شد، فامیل‌های او در پشت در حمام این باسنگ را می‌خوانند:

ای حمام‌چی ای حمام‌چی آب حمام تازه کن محض خاطر شاه داماد در حمام دروازه بکن
ای حمام‌چی ای حمام‌چی در حمام واز بکن محض خاطر شاه داماد رختنی آماده کن
هنگامی که داماد را از حمام بیرون آوردند او را در یک ملحفه قرار می‌دهند. اگر حمام در زیارتگاه باشد پس از استحمام داماد را جهت لباس‌پوشی دامادی به درون زیارتگاه می‌برند. در این هنگام این باسنگ را می‌خوانند:

یک قبا گُل نارین / دکمه قبا مروارین / شاه داماد تو نجون^{۲۰} کن که لباس شادین /
سوزنی باریک و باریک / هم قد داماد ما / شهر شیراز رخت ادوزن^{۲۱} / هم قد داماد ما.
yek kabā gol nāriyan/ dokme kabā morvāriyan/ šāhe dāmād to najōn kon ke
lebāse šādiyan/ sōzani bārik-o- bārik/ ham kade dāmāde mā/ šahre širāz raxt
?adōzen/ ham kade dāmāde mā.

برگردان: لباس داماد گل اناری است و جنس دکمه‌هایش مروارید است. شاه‌داماد این لباس را بپوش که لباس شادی است. این لباس را با سوزن و دست در شهر شیراز به اندازهٔ داماد ما می‌دوزند.

قبای داماد به قباي شاهزاده قاسم معروف است و عبارت‌اند: از لنگ شاهزاده قاسم که بر سر و صورت داماد می‌اندازند و کمر بند شاهزاده قاسم که بر کمر داماد می‌بندند و چاقو یا خنجر شاهزاده قاسم که بر کمر داماد بسته می‌شود. هنگام راه رفتن داماد صدای چاقو یا خنجر شنیده می‌شود و عروس نیز زنگوله به پا می‌کند تا وقت راه رفتن صدای

«جنگ جنگ» از آن بیرون بیاید.

پس از استحمام عروس یا داماد همگی به شادی می‌پردازند:

داماد ما دامادن/ای ماشاء اله به داماد/ دل بیی^{۲۲} شادن/ای ماشاء اله به داماد/ دل

ممئی^{۲۳} شادن/ای ماشاءاله به داماد/ دل خوهی^{۲۴} شادن/ ای ماشاء اله به داماد و ...^{۲۵}

dāmāde mā dāmāden/ ?eyi māšālāh be dāmād/ del bapi šāden/ ?eyi māšālāh
be dāmād/ del momi šāden/ ?eyi māšālāh be dāmād/ del xōhi šāden/ ?eyi
māšālāh be dāmād

برگردان: داماد ما بسیار با کمال و جمال است و از ازدواج او دل پدر و مادر و

خواهر و برادرش شاد است که ماشاءالله به داماد باشد.

در زیارتگاه هر تکه‌ای از لباس‌های داماد را که به او می‌پوشانند صلوات می‌فرستد.

البسه‌ها شامل شلوار، پیراهن، جوراب و کفش است. اول لنگه راست کفش و بعد لنگه

چپ را به او می‌پوشانند. لباس‌ها و وسایل داماد که در حمام از تن خود در آورده است

و همینطور ادکلن او و ... به کسی که داماد را حمام کرده می‌رسد. داماد پس از حمام و

پوشیدن لباس دو رکعت نماز را در زیارتگاه به جا می‌آورد^{۲۶} و بعد به منزل برمی‌گردد.

در طول مسیر در حالی که لوطی می‌نوازد بر سر داماد برنج، نقل و شیرینی می‌ریزند تا

در نظر مردم و خانواده عروس شیرین شود و بهتر او را بپسندند. پس از آنکه به خانه

رسیدند داماد از پدر و مادر خود حلالیت می‌طلبد و به مهمانان اعم از زن و مرد دست

می‌دهد^{۲۷} و آنان نیز هدیه‌ای را به عنوان شادباش یا پانداز به او می‌دهند.

۵. حنا نهادن به پای داماد و عروس

قبل از اینکه بخوانند عروس و داماد را حنا کنند در دهان آنان شکلات می‌گذارند.

عروس و داماد مقداری از شکلات را می‌خورند و باقیمانده آن را به پسر یا دختری که

ازدواج نکرده و طبق باور عوام بختش بسته شده است می‌دهند تا بخورد و بدین وسیله

بختشان باز شود. در حین حنا بستن زنان حاضر در مجلس شعری را در مدح ائمه

می‌خوانند که باسنک آن در هرمزگان معروف است و به این گونه خوانده می‌شود که

خانم‌هایی که در یک طرف داماد قرار دارند یک مصراع از بیت را می‌خوانند و

خانم‌های که در طرف دیگر داماد یا عروس قرار دارند مصراع دوم را ترنم می‌کنند و یا

به قولی جواب می‌دهند:

نقشِ خواهر داماد در باسنک‌های آیین ازدواج هرمزگان ----- سهراب سعیدی و همکاران

امام اولی آمد به میدان	ملائک بر سرش می خوانده قرآن
علی صل علی دین محمد	هزار صلوات به دیدار محمد
که تا دین محمد برقرارن	علی در خدمت پروردگاران
امام دومی آمد به میدان	ملائک بر سرش می خوانده قرآن
علی صل علی دین محمد	کشم صلوات به دیدار محمد
که تا دین محمد برقرارن	علی در خدمت پروردگاران
امام سومی آمد به میدان	ملائک بر سرش می خوانده قرآن ... ^{۲۸}

باسنک فوق و باسنکی که در ادامه می آید بر وزن مفاعیلن مفاعیلن فعولن سروده شده است.

این باسنک به آرامی و با صدای بسیار زیبا توسط دو گروه از خانم‌ها تا امام دوازدهم به همین صورت ادامه می یابد و از سوی دیگر چند تن از زنان و دختران فامیل پارچه‌های سبزرنگی را در دست می گیرند و به آرامی بر سر عروس یا داماد می زنند. زنان باسنک‌خوان در ادامه باسنک را این طور زمزمه می کنند.

شاه داماد نازنین چون گل نشسته بر زمین
بر قد آل محمد مآدرش خیرش ببین
ماه ببین چون راه اریث ستاره هم همراه اریث^{۲۹}
قرص روی شاه داماد شغله در بغداد اریث
ما که روتیم^{۳۰} گل بچینیم مصطفی بیدار ابوت^{۳۱}
شغله^{۳۲} شغله نور ابارت^{۳۳} از جمال مصطفی
کاسه چینی توی طاقچه بونگ^{۳۴} بلبل می زند
شاه داماد توی حجله بوسه بر گل می زند
ما بگیم بگ زاده ایم ما با بگون همساده ایم
زن به کاکام هادیه^{۳۵} که ما کلاتر زاده ایم
زر نه طاسی گل نه دسمال ما گل افشان می رویم
آمدیم و آمدیم از کوچمه مکران آمدیم
آمدیم و آمدیم تا سرو گل یک جا کنیم
سرو گل یک جا نباشد ما چطور شیدا کنیم
نَعْلِ زَن و نَعْلِ زَن نَعْلون کفشوئیم بزن
سُم^{۳۶} سُم بارون اربارت نَعْل کفشم تر آبوت^{۳۸}

قربون قد بلندت قامتت بس با نماز
مهر و تسبیحات بنام با حصیر و جانماز
ای برادر ای برادر شب کجا بودی و تو دور
در اتاق حجله بودی شب در آغوش عروس
دخترعمویت نشسته چون ماه چهاردهم
دخترعمو پسرعمو که خدای کرده نصیب
اسب کاکام فربه‌ی بستن بامیخ آهنی
شاه داماد باز بکنت که رأیون جرئت شونین^{۳۸ ۳۹}

این باسنگ در وزن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن آمده است.

برای حنا کردن عروس یا داماد چند تن از اطرافیان آنان دستانشان را آرام می‌گیرند و آن‌ها را به طرف اتاقی که به همین منظور تدارک دیده شده است، هدایت می‌کنند و این عمل با صلوات همراه است. برای حنا کردن، عروس و داماد را روی تشکچه‌ای که با پارچه‌های زیبا تزئین شده است می‌نشانند و پشت سر و زیر ساق دست و پای آن‌ها را متکا قرار می‌دهند و سپس دو زن هم‌زمان مشغول بستن حنا به دست و پای عروس و داماد می‌شوند که این زنان باید ازدواج کرده باشند و زنی که از شوهر طلاق گرفته و یا بیش از یکبار ازدواج کرده است و یا زن شوهرمرده هم نمی‌تواند حنای عروس و داماد را به دست و پای آن‌ها ببندد. عروس در هنگام حنابستن باید لباس سبز رنگی را به تن کند و سر و صورت او را نیز با دستمال سبز رنگی می‌پوشانند. عروس و داماد در طول مدت عروسی تا قبل از حمام شب زفاف نمی‌توانند حمام کنند و همین‌طور لباس‌های خود را عوض کنند؛ چون طبق باور عوام خوبیت ندارد و شاید به این دلیل است که فقط در شب آخر عروسی «زفاف» به سر وضعیتشان سامان دهند تا شب ازدواج زیباتر جلوه کنند.

زنان در هنگام حنا بستن سعی می‌کنند با خط‌های زیبا و منظمی دست و پای عروس را نقش و نگار بیندازند؛ اما دست و پای داماد را یکنواخت حنا می‌بندند. در هنگام حنا بستن در شب حنای سوم، دختر یا پسر بچه‌ای را در کنار عروس و داماد می‌نشانند و دست و پای آن‌ها را نیز حنا می‌کنند که به آن هابل عروس یا داماد می‌گویند. در تمام مدت حنابندان زنان و دخترانی که حضور دارند دور عروس یا داماد

نقشِ خواهر داماد در باسنگ‌های آیین ازدواج هرمزگان ----- سهراب سعیدی و همکاران

حلقه می‌زنند و با دستمالی که در دست دارند، آن را روی سر عروس یا داماد تکان می‌دهند و همچنین روی سر آن‌ها نقل، شکلات و پول می‌ریزند. زنان نیز از موقعیت استفاده کرده و با کل زدن، هلله و شادی بر پا می‌کنند.

پس از بستن حنا به دست و پای عروس و داماد، دست و پای حنا بسته شده را در دستمال سبزرنگی می‌پیچند. در این حین عروس و داماد نباید تا خشک شدن حنا از جایشان بلند شوند؛ بلکه باید صبر کنند تا نقش و نگار بر دست و پایشان بیفتد. بعد از حنا بستن داماد کارد نقره‌ای را که در پارچه‌ای سبز پیچیده شده است بر کمر و همچنین قرآن را بر سینه خود می‌بندد که خواهر داماد در شب زفاف به هنگام ورود به حجله آن‌ها را از کمر و سینه داماد باز می‌کند.

یکی از زن‌ها، معمولاً خواهر یا خاله به پای داما حنا می‌گذارند و هنگام حنا نهادن یک، یا چند نفر از زن‌ها ابیاتی خواننده می‌شود که در ذیل بر وزن مستفعلن فعلون می‌آید:

حنا حنا می‌بندم	جانی حنا می‌بندم
اگر حنا نباشد	سایه الله می‌بندم
حنا حنا می‌بندم	به دست و پاش می‌بندم
اگر حنا نباشه	آب طلا می‌بندم ... ^{۴۱}

و یا:

حنا بندی کنم من	حنا بندی کنم من
به سایه سر الله	دو دست رنگی کنم من

در هنگام حنا نهادن به پای عروس نیز ابیاتی خوانده می‌شود که در وزن مفاعیلن فعولن است:

عروس قدبالا	زیبا و بلند بالا
چشم حسودان کور	بگویی همه ماشاالله... ^{۴۱}

رسم است که حنای پای عروس و داماد را به کسی ندهند. بدین منظور حنای اضافی را جمع می‌کنند و به صورت پنهان که کسی نبیند دور می‌ریزند.

۶. رسیدن عروس به حجله

به شب زفاف شب یکجایی نیز می‌گویند و حجله نیز در بعضی از نقاط هرمزگان با نام تخت و چله شناخته شده است. وقتی عروس به در حجله رسید، داماد از جای برخاسته، سوره یس یا سوره مریم را می‌خواند و سه مرتبه دست بر روی قرآن می‌کشد و به صورت خود و بعد به صورت عروس می‌کشد و پارچه یا تور را از صورت عروس بالا می‌زند و بر صورتش دست می‌کشد. بعد از آنکه داماد صورت عروس را باز کرد هدیه‌ای به او می‌دهد که به آن هدیه «روگشانی» گفته می‌شود. پس از روگشانی سه تن از محارم ترجیحاً سید یا برادر عروس، یا خواهر داماد، سر عروس و داماد را آرام به هم می‌کوبند که دو نفر از آن‌ها مرد و یک نفر باید زن و دارای این مشخصات باشند: باید ازدواج کرده باشند و از همسر خود نیز طلاق نگرفته باشند و مردها نیز نباید دوزنه باشند؛ چون ممکن است در آینده داماد نیز دو زن بگیرد. بعد از صلوات مشاطه دستمزد می‌گیرد.

۷. سراخوانی

بعد از هفت روز که عروس و داماد در حجله ماندند والدین آن‌ها به پیش ملای محلی می‌روند و روزخوش می‌کنند که عروس و داماد به مهمانی سراخوانی و بعد از آن به منزل خودشان بروند. سراخوانی در منزل پدر داماد انجام می‌شود. در بدو ورود عروس و داماد برگ درخت موز را از در حیاط تا داخل خانه پهن می‌کنند و روی برگ موزها^{۴۲} دو عدد تخم‌مرغ می‌گذارند که یکی از تخم‌مرغ‌ها را باید عروس پا بگذارد و بشکند و دیگری را داماد. همچنین، شیرینی می‌گذارند تا عروس بر آن پا بگذارد و قدم آن‌ها خیر باشد. بعد از این عمل مادر داماد به پیشواز عروس خود می‌رود و هدیه‌ای را که معمولاً تکه طلاست به او تقدیم می‌کند. زنان نیز از فرصت استفاده می‌کنند نقل، شیرینی، شکر و برنج را بر سر عروس و داماد می‌ریزند. در روز سراخوانی عروس و داماد و همراهان آن‌ها که تعدادشان زیاد است، صبحانه، ناهار و عصرانه را مهمان پدر داماد هستند. البته در این ایام فقط پدر داماد مهمان‌ها را به صرف عصرانه دعوت می‌کند و معمولاً پذیرایی با میوه و شیرینی و شربت است در پایان هنگام خداحافظی از منزل

نقشِ خواهر داماد در باسنگ‌های آیین ازدواج هرمزگان ----- سهراب سعیدی و همکاران

عروس، اطرافیانِ عروس این شعر را می‌خوانند:
هر چه خوردیم ما حلال و بارک‌الله سفره‌دار
سفره‌دار سفره بپر و تشت و آفتابه بیار
تشت و آفتابه بپر و قلیون آب تازه بیار
سر قلیون هیل و مخیک آب قلیون از گلاب

م^۳ بنازم ناز تو، دستمال به دوش انداز تو
مه بگردم دم کنج مطبغ، بنگری^۴ بشقاب تو
ماه چون راه اریست ستاره از دنیال اریست
قرص روی بی‌بی عروس شوغله در بغداد اریست^{۴۵، ۴۶، ۴۷}
وزن این باسنگ فاعلاتن فاعلاتن فاعلن است.

بعد از مراسم سراخوانی اقوام عروس و داماد جهت آشنایی هر کدام در روزهای جداگانه دو زوج جوان را به مهمانی دعوت می‌کنند و بعد از آن عروس و داماد در منزل خود زندگی مشترک را آغاز می‌کنند و یک تکه پارچه را از تخت (حجله عروسی) برمی‌دارند و به یاد روزهای خوش زندگی با خود نگه می‌دارند.

۸. نقش خواهر داماد

حدود ۷۰ باسنگ در تمام مراحل آیین ازدواج هرمزگان خوانده می‌شود که بیش از ۱۶ مورد خواهر داماد در آن نقش مستقیم دارد. از جمله باسنگ‌هایی که در آیین ازدواج هرمزگان ترنم می‌شود، می‌توان به این موارد اشاره کرد: صلوات در آیین عروسی، باسنگ عروس‌بردن به حجله، باسنگ سراخوانی، باسنگ زفاف، باسنگ پذیرایی، باسنگ لباس عروس و داماد، باسنگ حمام داماد و آرایش و حمام عروس، باسنگ حنابندان، باسنگ استاد سرتراش، باسنگ مجلس ساخت و

یکی از کسانی که حضور فعالی در مراحل مختلف عروسی‌های هرمزگان دارد خواهر داماد است. از مهم‌ترین کارکرد او به این موارد می‌توان اشاره کرد^{۴۸}:

۱. در صبح شب زفاف خواهر داماد از او می‌پرسد دیشب کجا بودی و این سؤال استفهام انکاری است؛ یعنی با وجود اینکه خواهر داماد می‌داند داماد شب را در کنار

عروس به سر برده است برای مطمئن شدن این سؤال را از او می پرسد.
ای برادر ای برادر شب کجا بودی تو دور در اتاق حجله بودی شب در آغوش عروس
۲. هنگام رفتن به خواستگاری و حتی شب زفاف با اجازه و دستور خواهر داماد
است که اسب او را زین می کنند:

نار شیرین نشکنی که ما نمرد خوردنیم اسب کاکام^۹ زین کنی که ما نه میل^{۱۰} رفتنیم
۳. به سینه داماد یک پارچه سبز رنگ که در آن قرآن نهاده شده است بسته می شود و
به کمر آن نیز خنجری در پارچه سبز رنگ. هنگامی که شب زفاف فرا می رسد خواهر
داماد مقابل در حجله، قرآن و خنجر را از سینه و کمر داماد باز می کند. داماد خنجر را
در سینی ای که شربت و گلاب برای شست و شوی انگشتان عروس و داماد نهاده شده
است محکم بر زمین می گذارد تا عروس حساب کار دستش بیاید و یا به عبارتی گربه
را در حجله کشته باشد.

۴. در حجله دامادی سه نفر از نزدیکان عروس و داماد هنگامی که آن دو کنار هم
نشستند سر آن ها را آرام به هم می کوبند که معمولاً یکی از آن ها خواهر داماد است.
۵. خواهر داماد در به سروسامان رساندن و همسر دادن به برادرش تلاشی چشمگیر
دارد چنانکه:

ای برادر ای برادر به تو داماد می کنم رو به ... می کنم خرج تو پیدا می کنم
۶. خواهر داماد به خانواده عروس می گوید که ما از راه دوری آمده ایم و به برادرم
زن بدهید که ما خانواده با اصل و نسبی هستیم:

ما بگیم بگ زاده ایم همراه بگن همسایه ام زن به کاکام هدیه^{۱۱} که ما کلاتر زاده ایم
یکی از آرزوهای خواهر داماد این است که هر چه سریع تر برادرش ازدواج کند و
در این باسنگ بدین گونه عروس و داماد به مراد و آرزویشان می رسند.

ای خدا ای خدا یک مرادم در دلن حاجیون از حج بیایند یک مرادم حاصلن
لرد^{۱۲} جوزون لرد جوزون قلعه ای پیدا بودن از بزرگی شاه داماد شصت پسر ملا بودن
۷. بین خواهر و برادرش درباره انتخاب همسر در عروسی ها باسنکی خوانده
می شود که اشعار آن چنین است:

ای برادر ای برادر زن نگیر از ناکسان

?ey barādar ?ey barādar zan nagir az nākasan

نقشِ خواهر داماد در باسنگ‌های آیین ازدواج هرمزگان ----- سهراب سعیدی و همکاران

دخترعمویت نشسته چون ماه چهاردهم

doxtar ?amoyat nešasta čon māhe čāhardahom

ای خَوَهم ای خَوَهم مِ زن جُونم اویت

?ey xahome ?ey xahom mezane jonom ?avyet

کد(قد) بلند و خوش قیافه تخمِ ریسَنام اویت

kad boland-o-xoškiyāfa toxme risonom ?aviyet.

برگردان: ای برادر از غریبه‌ها زن نگیر چرا که دخترعمویت که مانند ماه شب چهارده زیباست در خانه نشسته است. پسر جواب می‌دهد من هم که ای خواهر دختر خوب و زیبا از نبیرهٔ افراد با اصل و نسب می‌خواهم، پس با دخترعمویم ازدواج می‌کنم.

این اشعار به ازدواج خانوادگی و درون‌گروهی اشاره دارد. هنوز هم عده‌ای در بعضی از شهرهای هرمزگان هستند که فقط با فامیل خود وصلت می‌کنند و از زن دادن و یا زن گرفتن از غیر فامیل یا غریبه‌ها خودداری می‌کنند.

نمونهٔ کامل یک باسنگ:

ای برادر ای برادر شب کجا بودی تو دوش

در اتاق حجله بودی شب در آغوش عروس

وقت رفتم پشت حجله بوی حجله چه خوشه^{۵۳}

تا که هندم توی حجله سروگل یکجا شوکه^{۵۴}

سرو و گل یکجا نباشند ما چطور سودا کنیم

ما که رفتیم گل بچینیم مصطفی بیدار ابوت

گل نه دسمال زر نه طا سی ما گلفشان می‌رویم

آمدیم و آمدیم و از کوچه مکران آمدیم

آمدیم و آمدیم و از کوچه مکران آمدیم

زن به کاکاها هادیه^{۵۵} که ما کلاتر زاده‌ایم

نار شیرین مشکنی که ما نمرد خوردنیم

اسب کاکام^{۵۶} زین کنی که ما نه میل رفتیم

اسب شوز^{۵۷} جانبی بستن به میخ آهنی

شاه داماد و از بکنت که رأیتون جرئت شونین

تو خونه، شاه داماد یک کنار میخوشن
بی بی عروس پای بگردت شاه داماد دلخوشن
توی خونه چل ستون و چل پنجره
بی بی عروس توی بگردت با طلا و زمزمه (سنسله)
کاسه چینی صحن طلاهی بنگ بلبل می برد
شاه داماد توی حجله بوسه بر گل می زند
بیا سنگ و ترازون تا برنجن بکشیم
پای حجله شاه داماد ما خجالت نکشیم
توی خونه شاه داماد چاه شوکندن بر زمین
آب چاه شون چون گلابن ریغ چاه شون مروارید
ای دلویت پوست پلنگن بند او ابریشمی
شاه داماد جون بشورن با غلامان علی
یا علی حیدر تویی داماد پیغمبر تویی
در قیامت روز محشر ساقی کوثر تویی
در قیامت سایه نین کار خدا را چاره نین
در قیامت سایه هست کار خدا را چاره هست
سه سوار از قبله پیدان هر سه آقا شیعون
امام حسن امام حسین حضرت عباس نوجون^{۵۸}
یک نکته بسیار مهم که در بین اشعار عامیانه رایج در میناب و استان هرمزگان دیده
می شود این است که چه در لالایی ها و چه در اشعاری که در عروسی و سایر مراسم ها
خوانده می شود به نحوی با خاندان پیامبر و مدح آن بزرگواران ارتباط دارد.
۸. در انتخاب دختر یا عروس که معمولاً توسط خانم های نزدیک داماد مثل عمه و
خاله - که حتماً هم باید شوهر کرده باشند - ایده هایی برای انتخاب عروس وجود
داشت که به هنگام خواستگاری آن ها را مد نظر داشتند:
اول که روی نگاه به چشمانش کن دیم^{۵۹} به لب و سوم به دندانش کن
چهارم بنگر که خال دارد یا نه پنجم بنشین و جمله قربانش کن^{۶۰}
این باسنگ بر وزن رباعی آمده است، لاحول و لا قوه الا بالله (مستفعل مستفعل^{۶۱}

نقشِ خواهر داماد در باسنگ‌های آیین ازدواج هرمزگان ----- سهراب سعیدی و همکاران
مستفعلُ فع).

خانم‌هایی که برای خواستگاری دختر می‌روند به بهانه‌ای وارد خانه‌ای می‌شوند که دختر دم‌بخت دارد. هنگامی که دختر را دیدند اول نگاه می‌کنند که چشمانش درشت و زیباست و بعد به این می‌نگرند که دختر لبِ باریک و دندانی مروارید و صدفی دارد و آنگاه نگاه می‌کنند که موهایش بلند است بعد از تأیید کردن این موارد پای صحبت را با دختر باز می‌کنند بدون اینکه چیزی از خواستگاری به او بگویند و اگر دیدند صدای زیبا و گیرایی نیز دارد و خوش صحبت است در جلسه بعدی پیغام می‌فرستند که ما می‌خواهیم به خواستگاری دخترتان بیاییم (البته این امر کلی است، هرچند امروز به کلی متروک شده؛ اما در گذشته هم شرط تمام خانواده‌ها نبوده است). اگر خانواده عروس پذیرفتند مراسم خواستگاری برگزار می‌شود. معمولاً خانواده عروس در همان جلسه اول جواب قبولی نمی‌دهند و در ادامه اگر شغل و کار و مسکن داماد را مناسب حال خود دیدند قرار ملاقات‌های بعدی را می‌گذارند در غیر این صورت، بهانه می‌آورند و جواب رد می‌دهند.

۹. خانواده داماد لباس‌ها و وسایل مختلفی را که برای عروس تهیه کرده‌اند، معمولاً با سر و صدا و هیاهو و به صورت دسته‌جمعی و با خواندن ابیاتی، از خانه داماد به خانه عروس می‌برند. گاه در این مراسم از ساز و نقاره هم استفاده می‌شود. در خانه عروس چمدان‌ها از خانواده داماد تحویل گرفته می‌شود و در مجلسی کاملاً زنانه، در چمدان‌ها باز می‌شود و وسایل و تحفه‌های خانواده داماد مورد بررسی قرار می‌گیرد. در این حین خواهر داماد ابیاتی را می‌خواند که به قرار ذیل و در وزن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن است:

باغِ نو پر گُل بُبوت و زنِ کاکام بچه بوت	رختِ کاکام رو سرم بُوت تا کنارِ باغِ نو
تا رسید محمل کشید و غوچ سوز و سر برید	پسینی او پسینی قافله کاکام رسید
دست کنم میخک در آرم، انگشتره پیچ پیچکن	شیرِ دوما شیرِ کن و تو جیباش میخکن
هر چه می‌خواهی طلب کن، خواهر داماد منم ^{۶۱}	مه منم، ماهی منم زلزله شاهی منم

raxte kākām rō sarom bovet tā kenāre bāye no
bāye no porgol bobot-o- zan kākām bača bot
?epasini ove pasini kafeley kākām rasid

tā rasid mahmel kašid-o- ŷoče sovz-o- sarborid
šire dōmād širaken-o- tō jibāš mixaken
dast konom mixak dar ?arom ?angoštare pičpičaken
me menem, māhi manam zelzeley šāhi manam
har če xāhi talab kon xāhar dōmād manom

برگردان: لباس‌های دامادی برادرم را تا کنار باغ نو بر روی سر می‌گذارم. باغ نو پرگل و بوته است و زن برادرم کم سن و سال است. در یک بعدازظهر دل‌انگیز قافله برادرم از راه رسید و هنگامی که برادرم در محمل را باز کرد برایش یک گوسفند قربانی کردم. شاه‌داماد توی جیب‌هایش گل می‌خک دارد. از جیب‌هایش می‌خک‌ها را بیرون می‌آورم و انگشتر پیچ‌پیچی‌اش را می‌بینم. ای عروس، من خواهر داماد هستم که این‌گونه زیبا و شاهانه‌ام. هر چه دوست داری از من بخواه تا تقدیم کنم.

باغ نو یکی از باغ‌های قدیمی میناب است که هم در لالایی‌ها، هم در اشعار، مثل‌ها و باسنک‌های عروسی فراوان یاد شده است. از ظاهر امر چنین برمی‌آید که باغی سرسبز و پر از گل‌های یاسمین - که یکی از نمادهای میناب است - بوده است. مردم میناب این گل‌ها را در بندی آویزان می‌کنند و می‌فروشند. در این راستا از قدیم ترانه‌ای بسیار معروف نیز سروده شده است که هنوز هم در افواه مردم هست و ترنم می‌شود. گل یاسمین خوش عطر و بوی است و معمولاً در عروسی‌ها به گردن می‌افکنند و می‌رقصند.

آنچه در این باسنک مهم است نقش خواهر داماد است که خطاب به عروس می‌گوید: من خواهر دامادم با تو دوستم و هر چه از من می‌خواهی طلب کن.
۱۰. یکی از زن‌ها، معمولاً خواهر یا خاله به پای داماد حنا می‌گذارند و هنگام حنا نهادن یک یا چند نفر از زن‌ها ابیاتی را می‌خوانند به این صورت:

حنا حنا می‌بندم جانی حنا می‌بندم
اگر حنا نباشد سایه الله می‌بندم

۱۱. خواهر داماد به هنگام خواندن باسنک‌ها در مراحل مختلف حضوری فعال دارد که باسنک‌های ذیل در وزن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن از آن جمله‌اند:
خواهر داماد:

ماشین تاکسی طلایی از کدوم در اومدی راه بندر چون که صندل زن کاکام خوش اومدی
زن کاکام امروز مرو فردا برو ماشین تاکسی می‌آید تو خودت تنها مرو

نقشِ خواهر داماد در باسنگ‌های آیین ازدواج هرمزگان ----- سهراب سعیدی و همکاران

یه مخمل سر میزه من خودم می‌دوزمش هر که باشه زن کاکام من خودم می‌بوسمش
ماشاء اله به خانم عروس پشت کفشش مخمله میره تو شربت بیاره تا کمر بندش زره
در این باسنگ رابطه عروس با خواهر داماد خوب جلوه داده شده است و همینطور
خواهر داماد حمایت خود را از عروس تازه‌شان اعلام می‌کند که هر کس زن برادرش
باشد خواهر داماد آن را می‌بوسد و به او محبت می‌کند.

۱۲. از اشعاری که در دوران گذشته در مراسم مال‌گذرانی^{۶۲} و خرج‌بری خواننده
می‌شد به این موارد می‌توان اشاره کرد که به صورت مناظره بین اطرافیان عروس و
داماد خوانده می‌شود. سردهسته اطرافیان داماد، خواهر اوست:

اطرافیان داماد: شانه رو به پایک	خون دلم و ده تومن
اطرافیان عروس: ده تومن دلبر خورد	عروس خود نمی‌دهیم
اطرافیان داماد: شانه رو به یک پایک	جون دلم و بیست تومن
اطرافیان عروس: بیست تومن دلبر خورد	عروس خود نمی‌دهیم ^{۶۳}

این شعر به همین صورت بین اطرافیان عروس و داماد رد و بدل می‌شود؛ اما هیچ
تأثیری بر تعیین مهریه - که توسط خانواده عروس در نظر گرفته می‌شود - نمی‌گذارد.

۱۳. آرزوی خواهر داماد، در به سروسامان رساندن برادرش نیز در باسنگ‌های
زیادی جلوه‌گر شده است که باسنگ زیر فاعلاتن فاعلاتن فاعلن از آن دسته
است:

ای برادر ای برادر به تو داماد می‌کنم	رو به اله می‌کنم خرج تو پیدا می‌کنم
ای برادر ای برادر چه تو ای بنده صد قدم	چیزی نخن کن دار صندل چهار پایت
این جهان هند ^{۶۴} از یمن یا نه بودن پشت وطن	چن نخن ^{۶۵} و چن ^{۶۶} نه سینه دانه‌های قیمتی
تا گون خالی کنی فرشن قلم کاری کنید	هم زخاطر شاه داماد شب گلاب‌پاشی کنید
به روی آسمان پرویش کشیده	به روی پرویش چشون قالی کشیدن
به روی قالیچه شون شاهزاده نشستن	کنار شاهزاده شون بیوچه ^{۶۷} نشستن
کنار بیوچه شن صحن پلویی	به روی صحن پلو مرغ مسمی
کش ^{۶۸} صحن پلویون لاری	کش قلیون لاری کوزه آبی ^{۶۹}

۱۴. خواهر داماد در بدو ورد به حجله، شصت پای عروس و داماد را در کنار

یکدیگر می‌گذارد و با آب و گلاب و یا شربت در ظرفی می‌شوید و بعد در چهارگوشه حجله می‌پاشد. بعد از آن دو نفر زن از محارم - که باز می‌تواند یک نفر خواهر داماد باشد که در زندگی به خوشبختی رسیده باشد - و یک نفر مرد از محارم که مرد دوزنه نباشد، زن طلاق‌داده و یا همسر او مرده نباشد، سر عروس و داماد را دو بار به هم نزدیک می‌کنند و آرام به هم می‌کوبند که به این عمل و مراسم «سراسر» می‌گویند.

۱۵. در آیین ازدواج هرمزگان دختران جهیزیه ندارند؛ بلکه جهیزیه توسط مردان تهیه می‌شود و در مراسمی که به آن «گد برانی» می‌گویند از خانه داماد به خانه عروس حمل می‌شود که با نظارت خواهر داماد است.

۱۶. خواهر داماد در انتخاب لوگ‌دفی (خانه‌دار) (کنیزی که دو هفته قبل و یک هفته بعد از آیین ازدواج در خانه داماد کار می‌کند) نقش دارد و با نظارت و پیشنهاد او آن خدمتکار انتخاب می‌شود.

۹. نقش مادر داماد

غذای عروسی باید طوری زیاد باشد که به همه مهمان‌ها برسد؛ در غیر این صورت مهمانان طبلی را زیر پا می‌گذارند و در حال دست زدن شروع به انتقاد از مادر داماد یا مادر عروس می‌کنند بدین گونه در وزن فاعلاتن مفاعیلن فعل آمده است:

ای مُم داماد برنجَن اندکن^{۷۰} بهنه ات کردن که منجل کوچکن^{۷۱}

?eiy mom dāmād beranjon ?andakon/ bohnat kerden ke mānjal kōčeken

برگردان: ای مادر داماد غذا را به‌عمد کم درست کرده‌ای و بهانه آورده‌ای که دیگمان کوچک بود.

یکی از موارد پذیرایی و سرگرمی در عروسی‌ها قلیان و چای است. اگه تنباکو قلیان خوب نباشد باز مادر داماد رسوای عروسی و مورد هجوم طعنه‌های مهمانان است و باسنک آن بر وزن مفتعلن مفتعلن است:

تمبک کاهی ناکشم تمبک سربرگ آکشم به مُم داماد به زیر کرگ آکشم^{۷۲}
tambake kāhi nākašom tambake sarbarg ?akašom/ be mome dāmād bezire karg ?akašom.

برگردان: من قلیانی که تنباکوی آن کاه باشد و سرم را نگیرد نمی‌کشم؛ بلکه مادر

داماد را جهت ادب به زیر درخت کرگ می‌کشانم.

باسنک (واسونگ) تصنیف‌هایی است عامه‌پسند برگرفته از فرهنگ عامیانه مردم جنوب که متبلور از رسوم دیرینه و انعکاسی از التهابات درونی انسان‌هایی است که ساده و بی-پیچیده بر پایه ذوق، سلیقه و علاقه آنان پدید آمده است. آیین همسرگزینی و زندگی مشترک در استان هرمزگان ویژگی‌های خاص خود را دارد. یکی از این ویژگی‌ها خوانش انواع باسنک‌ها و نقش و حضور فعال مادر و خواهر داماد در باسنک‌ها به صورت متکلم، مناظره و یا مخاطب است. معمولاً خواننده باسنک‌ها خانم‌هایی هستند که شوهر کرده‌اند و در مراسم حناپندان شاه‌داماد یا بی بی عروس گروهی از آنان متشکل از چهار یا پنج نفر در یک طرف عروس یا داماد و گروه دوم در طرف دیگر، درست روبه‌روی هم قرار می‌گیرند و مصرعی از شعر را یک گروه و مصراع دوم آن را گروهی دیگر با صدایی زیبا می‌خوانند. باسنک‌خوانی هنگام حناستن، سر تراشیدن و حمام عروس و داماد اجرا می‌شود که با وجود اینکه اشعار آن شاد است؛ ولی جنبه‌هایی از اشعار دینی نیز در آن دیده می‌شود. به طور کلی باید گفت که مضمون، محتوا و مفهوم باسنک یا درمورد زن گرفتن از فامیل و ازدواج فامیلی یا مدح امامان و نعت پیامبر اکرم^(ص) یا فخر فروختن به خاندان خود و یا دیگر مسائل زنانه است که کارگردان و مخاطب و متلکم اصلی این باسنک‌ها خواهر داماد است. نقش خواهر داماد در باسنک‌های هرمزگان پررنگ است. مخاطب بعدی باسنک‌ها که معمولاً همراه با طعن، طنز و انتقاد است مادر داماد است که البته انتقاد از او به زبان شوخی و انتقادی از سر شوخ‌طبعی و به ذوق و نشاط آوردن مهمانان است. آنچه مسلم است پدر و برادر داماد نقش کم‌رنگی در باسنک‌های آیین ازدواج هرمزگان دارند. باسنک‌های رایج در هرمزگان در هشت وزن: مفاعِلن، فعلن، مفاعِلن، فعلن؛ مستفعِلن، مستفعِلن، مستفعِلن، مفعِلین؛ فعلاَتِن، فعلاَتِن، فعلاَتِن، فعلاَتِن؛ مفعِلِین، مفعِلِین، مفعِلِین، مفعِلِین؛ مستفعِلن، مفعِلن، فعولن، فعلاَتِن؛ فعلاَتِن، مفعِلن، فعل و همین‌طور در وزن رباعی لاحول و لا قوه الا بالله آمده است که در این میان وزن فعلاَتِن، فعلاَتِن، فعلاَتِن،

فاعلن بیشترین کاربرد را دارد. البته بعضی از باسنگ‌ها چون شعر عامه‌اند و به صورت شفاهی از نسلی به نسل دیگر منتقل شده‌اند مشکل وزن و قافیه نیز دارند.

پی‌نوشت‌ها

۱. در بعضی از نقاط هرمزگان مدت زمان عروسی یک هفته طول می‌کشد. از این رو این مراسم در گذشته به یک هفته‌ای نیز معروف بوده است. و به‌جای عروسی می‌گفتند یک هفته‌ای. آیین عروسی در هرمزگان از خواستگاری شروع و به سراخونی ختم می‌شود.
۲. خیری زاگری، ۸۰ ساله روستای محمودی بخش مرکزی میناب، شغل خانه‌دار.
۳. معصومه سعیدی، ۷۵ ساله، روستای نصیرایی میناب، شغل خانه‌دار.
۴. شبروم (šabarōm): می‌برم.
۵. اریت (?arit): می‌رود.
۶. مردئون: مرده‌ها.
۷. زندئون: زنده‌ها.
۸. بانو سعیدی، سن ۶۵ سال، خانه‌دار، روستای محمودی میناب.
۹. جمعه‌زاده، لیلا، روستای کلنتان میناب، سن ۵۷ سال، شغل خانه‌دار.
۱۰. سعیدی، بانو، روستای محمودی میناب، ۶۵ ساله، شغل خانه‌دار.
۱۱. اجا = اینجا.
۱۲. ایگفتن = گفته است.
۱۳. ذاکری، خیری بهروز، روستای محمودی میناب، سن ۸۰ ساله، شغل خانه‌دار.
۱۴. اشورت (?ašorent): می‌شوید.
۱۵. کنت (?akent): می‌کند.

16. pāye molā jon ?a šoret pāye molā pōš ?akent ?ašrafī dar jibe bābāš gām be gām šābāš ?adent

برگردان: کنار زیارتگاه مولا حمام می‌کند و همان‌جا نیز لباس دامادی می‌پوشد. پدر طلای اشرفی را جهت هدیه و شاپاش به او می‌دهد.

17. yak lagan por ?ašrafī yak lagan por mohamadi ?ašrafī esme mohammad mohammadi ?esme ?ali

برگردان: یک سبد پر از طلای اشرفی و سبد دیگر پر از طلای محمدی است. طلای اشرفی اسم حضرت محمد(ص) و طلای محمدی اسم حضرت علی(ع) است (حسینی شبتاری، غلامحسین، روستای محمودی میناب، شغل صیاد، سن ۵۵ سال).

۱۸. آوایی است که توسط مردان در آیین عروسی انجام می‌شود و به صلوات فرستادن بر پیامبر ختم می‌شود.

نقشِ خواهر داماد در باسنک‌های آیین ازدواج هرمزگان ----- سهراب سعیدی و همکاران

۱۹. ال فصلاط والعلی جمات وال و رسول الله، برکمالش بر جمالش بر محمد صلوات، صل علی محمد.

۲۰. نجون (najon): بیوش.

۲۱. ادوزن (?aduzen): می‌دوزن.

۲۲. بپی (bapi) = پدرش.

۲۳. مُمی (momi) = مادرش.

۲۴. خوهی (xohi) = خواهرش.

۲۵. یکی از نقش‌های خواهر داماد نیز که در این باسنک آمده اشاره به شادی او بعد از حمام دامادی برادرش است.

۲۶. البته رسم است داماد در شب زفاف و پس از ورد به حجله نیز دو رکعت نماز بخواند. خواندن دو رکعت نماز در حجله به چند دلیل است: اول به دلیل شکر یزدان برای تشکر از رسیدن به وصال و آرزویش و دوم اینکه در طول زندگی هیچ‌گاه در خوشی‌ها خدا را فراموش نکند.

۲۷. اعتقاد بر این است داماد در آن شب بر همهٔ مهمانان محرم است.

۲۸. آمنه محمد، حسنی شب تاری، روستای محمودی میناب، سن ۷۲ سال، شغل خانه‌دار.

۲۹. اریت (?arit): می رود

۳۰. روتیم (rutim): رفتیم.

۳۱. ابوت (?abut): می‌شود.

۳۲. شَغْلَه (šola): شعله.

۳۳. ابارت (?abāret): می بارد .

۳۴. بونگ (bōng): بانگ.

۳۵. کاکام هادیه (hādeye): به برادرم بدهید.

۳۶. سُم سُم (som som): نم نم.

۳۷. تراپوت (tar?but): خیس می‌شود.

۳۸. جرئت شو نین (jor?atešonin) : جرئت ندارند.

۳۹. ذاکری، محفوطه، روستای محمودی میناب، سن ۴۶، شغل خانه‌دار.

۴۰. افراق، مهدیه، روستای محمودی، سن ۴۵ ساله، شغل خانه‌دار.

۴۱. سوری، خاتون، روستای محمودی، بخش مرکزی میناب، سن ۳۰، شغل خانه‌دار.

۴۲. در این هنگام این باسنک خوانده می‌شود: شوزن و شوزن رو برگ موزن ... (شوز: سبز).

۴۳. م: من /me مه me

۴۴. بنگری (bengari): النگو.

۴۵. بغداد اریت (baydād ?ariyt): به بغداد می‌رود.

دوماهنامه فرهنگ و ادبیات عامه ----- سال ۶، شماره ۲۰، خرداد و تیر ۱۳۹۷

۴۶. سعیدی، کبری، اهل روستای محمودی میناب، سن ۵۲، خانه‌دار.
۴۷. بیشتر باسنگ‌های رایج در بین مردم هرمزگان مشکل قافیه و گاهی نیز مشکل وزن و قافیه دارند.
۴۸. معنی: ای خواهر، من زنی زیبا و خوش‌قیافه و پاک نژاد از قبیله رئیس‌ان و سروران می‌خواهم.
۴۹. کاکام (kākām): برادرم
۵۰. نه میل (namile): در حال و آماده رفتن.
۵۱. هادیه (hādiye): بدهید.
۵۲. لرد = بیرون - لرد جوزون (نام مکانی است)
۵۳. چه خوشه (exošeč): چه خوش بو بود.
۵۴. یکجا شو که (yakjāšoke): یکجا کردند و به هم رساندند.
۵۵. هادیه (hādeye): بدهید.
۵۶. کاکام kākām: برادرم.
۵۷. شوز (šōuz): سبز
۵۸. مرحوم سمسول رنجبری، ۸۵ ساله، شهرستان قشم
۵۹. دیم (diyom): دوم.
۶۰. بانو سعیدی، همان پیشین.
۶۱. سعیدی، ربابه، سن ۵۰ ساله، شغل خیاط، روستای گورزانگ میناب.
۶۲. در بعضی از نقاط هرمزگان به این مراسم کدخدایی هم می‌گویند و چون در گذشته قبل از رفتن به خواستگاری و مال‌گذرانی از کدخدا یا بزرگ فامیل اجازه می‌گرفتند به این نام معروف شده است.
۶۳. سعیدی، بانو، همان پیشین.
۶۴. هند: آمد
۶۵. نحن (naxan): سوار.
۶۶. چن (čen): چیه.
۶۷. بیوچه (bivoče): بی بی عروس.
۶۸. کش (kaš): کنار.
۶۹. ذاکری، خیری، همان پیشین.
۷۰. اندکن (?andaden): اندک
۷۱. کوچکن (kōčaken): کوچک
۷۲. مرحوم سمسول رنجبری، ۸۵ ساله، شهرستان قشم، خانه‌دار.

منابع

- آذرلی، غلامرضا (۱۳۹۴). *فرهنگ واژگان گویش‌های ایرانی*. تهران: هزار کرمان

- نقشِ خواهر داماد در باسنگ‌های آیین ازدواج هرمزگان ----- سهراب سعیدی و همکاران
- ابراهیمی، عبدالرحمن (۱۳۹۰). *شهرستان سیریک از منظر تاریخ، فرهنگ و جغرافیا*. بندرعباس: رسول.
- پاشایی، علی (۱۳۶۹) *فرهنگ اندیشه نو*. تهران: مازیار.
- درویشی، محمدرضا (۱۳۹۳). *موسیقی و آیین‌های جزیره قشم و جزایر تابعه*. تهران: سازمان منطقه آزاد.
- دژگانی، فاطمه (۱۳۸۴). *قشم نگین خلیج فارس*. تهران: سیروان.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۲۵). *لغت‌نامه دهخدا*. تهران: مجلس.
- قتالی، عبدالجلیل (۱۳۸۸). *بررسی گویش و واژگان بندر خمیر*. شیراز: ایلاف.
- نعیمی، منصور (۱۳۸۶). *فرهنگ لغت جامع هرمزگان*. مشهد: سنبله.

Investigating the Role of Sister– in – Law in Marriage Ceremony’s Basenaks of Hormozgan

Sohrab Saeidi¹ *, Fereydoun Akbari Sheldareh², Hossein Ghasempour Moghaddam

1. M.A in Persian Language and Literature

2. Assistant Professor of Persian Language and Literature, Research organization and Curriculum Planning -Ministry of Education.

3. Assistant Professor of Educational Planning and Research Organization

Receive: 24/06/2017 Accept: 07/12/2017

Abstract

Contrary to its similarities with other Iranian ethnicities’ marriage ceremonies, the marriage ceremony in Hormozgan province has differences with them in respect of ceremonies and their procedures. One of these differences is reading Basenaks in various steps of marriage by men and women. Of course women’s frequencies are much higher than men’s counterparts. The present article has been devoted to content analysis and has been done through objective observations and interviews done for investigation of Basenaks and the role of sister– in – Law in marriage ceremony’s Basenaks of Hormozgan and it has been cleared that Hormozgan Basenaks belong mostly to religious types and are read by groom & bride’s relatives. Among audiences of Basenaks are sister and mother of the sister – in – Law. The results of this study show that the role of sister– in – law in Marriage Ceremony’s Basenaks is more prominent. However, the mother attends Basenaks when there appears shortages in the ceremony in a humorous way. The present article studies the role of sister– in – law in Marriage Ceremony’s Basenaks. It is worth mentioning that because of oral and popular characters of Basenaks, there is always the problem of rhyme and meter in Basenaks.

Key Words: Marriage Ceremony, Folklore, Hormozgan, Basenak, Sister– in – Law.

*Corresponding Author's E-mail: sohrab_minab@yahoo.com